



تبیین نگرش های مطرح زمینه گرایي منطبق بر بوم گرایي و فرهنگ در معماری مازندران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۳۰

کد مقاله: ۶۷۰۲۷

رها حسین پور^{۱*}

چکیده

در معماری خطه مازندران به دلیل کیفیت اقلیمی و گردشگری آن کم توجهی به الگوهای مطرح زمینه گرایي از بعد کالبدی و فرهنگی یک تحول پارادایمی است که در طول زمان به چشم می خورد و لذا هدف از این پژوهش شناسایی الگوهای مطرح زمینه گرایي معماری آن می باشد. لذا هدف این پژوهش بازشناسی الگوهای مطرح زمینه گرایي معماری منطقه مازندران در جهت شناخت بهتر و تجلی هنر و معماری گذشته به عنوان کهن الگوهای فرهنگی می باشد. هدف این تحقیق شناخت معیارهای زمینه گرایي کالبدی و به کار گیری این معیارها در طراحی می باشد. شیوه تحقیق توصیفی تحلیلی می باشد. جمع آوری اطلاعات اسنادی است و ابزار گرد آوری اطلاعات کتابخانه ای و سایت های اینترنتی و روش استدلال منطقی است. نتیجه این پروژه بیانگر توجه به الگوهای معماری بومی در ساخت (مانند: ایوان، نثار، بام شیبدار، بستر طراحی، طبیعت) به عنوان نگرش های مکانی و زیستی مثبت و معیارهای موثر در معماری زمینه گرا می باشد.

واژگان کلیدی: زمینه گرایي، بوم گرایي، فرهنگ، معماری مازندران

زمینه‌گرایی دارای رویکرد های مختلفی است که یکی از آنها زمینه‌گرایی کالبدی است زمینه‌گرایی کالبدی به معنای الگوهای تکرار شونده ای هستند که از تحلیل شکل کالبد شهر و حفظ نظم شکلی گذشته آن ایجاد می‌شود. زمینه‌گرایان معتقدند که اجزای کالبدی شهر زیر پوشش نیروها و یا ویژگی های درونی خود نمی‌باشند بلکه به محیط و مجموعه پیرامون آن وابسته هستند بنابراین هدف از این تحقیق این است که بتوانیم معیارهای زمینه‌گرایی کالبدی در معماری سنتی مازندران را شناسایی و به عنوان الگوهای ارزشی در معماری معاصر پیشنهاد داد (برولین، ۱۳۸۳).

منطقه مازندران دارای معماری متأثر از طبیعت بکر خود می‌باشد. طبیعت و آثار طبیعت در طول تاریخ همیشه منبع الهام و سرمشق خلاقیت های انسان بوده است. طبیعت معلم بزرگ تاریخ در زمینه های مختلف منشا خدماتی برای انسان جست و جو گر بوده است که زمان آن به قدمت خود تاریخ می‌رسد و در این روند انسان بعد از قهر با طبیعت توانسته است چیرگی خود را به او نشان دهد با توجه به این که مثلث ارتباط طبیعت، انسان و معماری همیشه بوده است و این که نقش عوامل طبیعی در ساخت یک اثر معماری بسیار فراوان است. در این راستا به بررسی معیارهای موثر در معماری زمینه‌گرایی منطبق بر الگوهای طبیعی از ضروریات پژوهش حاضر است. زمینه‌گرایی بخشی جدایی ناپذیر از معماری است که به دلایلی در معماری امروز مورد بی توجهی برخی معماران قرار گرفته است و معماری، تجسد آرمانها و باورهای هر قوم است و آنها را به افراد متذکر می‌شود (غزنویان، ۱۳۸۹).
مدرنیته با تبدیل شهر ها به (نظریات هنری - هوپ رید (۱۹۱۵)) محیطی مصنوع در بسیاری موارد بدون در نظر گرفتن زمینه های فرهنگی، تاریخی و فیزیکی فضا، ساختمان هایی را به صورت پیش فرض در فضا تعبیه می نماید که نه تنها پیوندی با محیط زمینه ندارد، بلکه با افراد کاربر و حتی گذرا نیز ارتباطی برقرار نمی‌کند. در این پژوهش به بررسی زمینه‌گرایی فرهنگی از نگاه معماری بومی پرداخته شده است. هدف ایجاد پیوند میان عناصر کلاسیک موجود در متن محیط و به کارگیری این معانی در ایجاد فضایی جدید می‌باشد. روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی بوده که به بررسی نگرش های فرهنگی و کالبدی در بعد زمینه‌گرایی پرداخته است. در اینجا مکاشفه شاخص های فرهنگی و معماری خطه مازندران مد نظر است. لذا معماری بومی به عنوان الگویی که بتواند ضمن حفظ انسجام ساختار شهرهای جدید، تقابل های موجود بین گذشته و حال را از بین برده، عواملی چون زمینه فرهنگی، باورها و خاطرات جمعی مشترک، تاریخ و سایر ویژگیهایی هویتی را مورد توجه قرار دهد، مهم و ضروری است. هدف از این پژوهش شناخت نگرش های مطرح زمینه‌گرایی فرهنگی بر اساس قواعد معماری بومی است؛ مجموعه عوامل و پارامترهایی که در طراحی در مقیاس یک شهر زمینه‌گرا میتواند مورد اهمیت باشد و نیاز است مورد بازبینی و تأمل قرار گیرد.

۲- پیشینه تحقیق

پیشدادیان (۱۳۹۳) در پژوهشی اینگونه بیان می‌کند که؛ در واقع داشتن و ساختن یک سرپناه یکی از نیازهای اساسی بشر بوده که باعث شده وی را برای ساخت خانه برانگیزد. معماری نیز همواره تحت تاثیر عوامل مهمی چون تاریخ، اجتماع، فرهنگ، نژاد انسانی و شرایط جغرافیایی بوده است و غالباً کالبد شهرها و سکونتگاههای گذشته پیوندی ناگسستنی با بستر خویش داشته اند. هدف این تحقیق شناختن انواع زمینه‌گرایی هایی است که در برخی از فضاهای معماری و شهری در گذشته رخ داده است.

تبریزی (۱۳۹۳) بیشترین علت تأکید به زمینه‌گرایی را عدم یکدستی بناها در بافت شهری و منطقه می‌داند. توجه زمینه‌گرایی فقط به ویژگی های فیزیکی و کالبدی ساختمان ها نیست، بلکه به ویژگی فرهنگی و هویت منطقه است که از اهمیت بیشتری برخوردار است. منطقه‌گرایی در ایجاد حس تعلق، خاطره انگیزی و در نهایت، آرامش انسان ها در محیط، بسیار موثر می‌باشد. ثمره ی زمینه‌گرایی با رویکرد منطقه‌گرایی در معماری، خلق بناهای پایدار، خلاق و زنده است.

خانبانی‌های (۱۳۹۳) در پژوهشی اینگونه بیان می‌کند که؛ زمینه‌گرایی دارای رویکرد های مختلفی است که یکی از آنها زمینه‌گرایی کالبدی است زمینه‌گرایی کالبدی به معنای الگوهای تکرار شونده ای هستند که از تحلیل شکل کالبد شهر و حفظ نظم شکلی گذشته آن ایجاد می‌شود. زمینه‌گرایان معتقدند که اجزای کالبدی شهر زیر پوشش نیروها و یا ویژگی های درونی خود نمی‌باشند بلکه به محیط و مجموعه پیرامون آن وابسته هستند.

نائینی (۱۳۹۳) در پژوهشی به مطالعه تأثیر توجه به بستر و زمینه طرح در معماری های تک و اکوتک پرداخته است. چار چوب نظری تحقیق بر مطالعه بر تاریخ شکل گیری و این اساس استوار است که با اجزای سازنده سبک های تک، سعی در شناخت مبانی بر گذر این در لذا فکری آن در عرصه معماری نموده ایم. به رسیدن در گرایي را زمینه نقش مختلف آنیم ابعاد کنیم، زیرا احساس می‌شود های تک بررسی معماری تحقیقات ارزنده مذکور هر یک به بخشی از موضوع پرداخته اند، به نحوی که تأکید بر اهمیت زمینه‌گرایی در معماری پایدار که از ویژگیهای منحصر به فرد تحقیق حاضر است، نادیده گرفته شده است.

نصری (۱۳۹۳) در پژوهش دیگری اینگونه بیان می‌کند که؛ فضاهای شهری تا قبل از دوران نوگرایی به عنوان عرصه ای برای تظاهر و تجلی فرهنگ شهری، ارتباطات اجتماعی و تاریخ ملت ها به شمار می‌رفته اند. اما فرآیند توسعه شهری تحت تاثیر نگرش

دوران نوگرایی و بدون توجه به زمینه ی کالبدی، فرهنگی و اجتماعی، زمینه ساز ایجاد فضاهای بی شکل و ضد فضاها می گردد (نصری، ۱۳۹۳، ۱۶۱).

۲- روش تحقیق

روش تحقیق حاضر توصیفی تحلیلی و استدلال از نوع قیاسی و روش گردآوری داده ها بر اساس مطالعه اسنادی است. در نهایت بر اساس جداول و جمع بندی عوامل زمینه گرائی به کار رفته در نمونه های ارائه شده بدین نتیجه رسیدیم که معماری زمینه گرا در اجتماع امروزی تابعی از عوامل گوناگون محیطی، طبیعی، کالبدی، تاریخی و بالاخص اجتماعی و فرهنگی است و به تبع آن در تعامل با نیازهای انسان امروزی، ارتباطات و تعاملات وی در محیط شهری و فضاهای عمومی شکل می گیرند و می توانند ایجاد حس تعلق و هویت مشترک را برای افراد در جامعه بوجود آورند.

۳- مبانی نظری تحقیق

۳-۱- فرهنگ

تعاریف فرهنگ ظاهراً به دویست، سیصد تعریف و حتی بیشتر می رسد که در اینجا تنها نمونه هایی از این تعاریف برای روشن شدن وسعت قلمرو موضوعی فرهنگ عرضه می گردد. "تعریف تایلر" که در سال ۱۸۷۱ در کتاب فرهنگ ابتدایی آمده تعریفی جامع و معروف است: فرهنگ مجموعه پیچیده ایست که شامل معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی است که فرد به عنوان عضو جامعه از جامعه ی خود فرا می گیرد، و در برابر آن جامعه وظایف و تعهداتی را بر عهده دارد. هر قومی با توجه به ویژگی های فرهنگی و معیشتی خاص خود محل زندگی خویش را می سازد (پاپلی یزدی، ۱۳۷۶، ۲۷).

۳-۲- معماری بومی و فرهنگ

فرهنگ یک جامعه یکی از مبادی مهم استمرار حیات آن جامعه است، هر جامعه ای با فرهنگ خاص خود حرکت می کند و این فرهنگ نحوه و جهات حرکت جامعه را مشخص می کند، به گفته دیگر جامعه براساس فرهنگ خود می بیند، تصمیم می گیرد، انتخاب می کند و براساس انتخاب خود حرکت می کند. ستا لو و همکارانش با تکیه بر نظریه اکولوژی فرهنگی معتقدند "مورد توجه قرار دادن و لحاظ نمودن تفاوت های موجود در روش هایی که طبقات اجتماعی گروههای مختلف فرهنگی از اماکن عمومی استفاده می کنند و به آنها اهمیت می دهند برای تصمیم گیریهایی که از تنوع فرهنگی اجتماعی حمایت می کنند، مهم و ضروری است". به عقیده آنها روش های انتقال مفاهیم فرهنگی بخش مهم جذابیت یک مکان به شمار می رود و می توانند برای گسترش تنوع فرهنگی توسعه یابند (ستالو، ۱۳۹۰). حال اگر دوباره جان گرفتن فرهنگ و معماری کشورمان عوامل اساسی آن شناخته شوند و جان بگیرند، به حیات خود ادامه خواهند داد. معماری فقط مجموعه ای از سبک ها و فرمها نیست و حتی کاملاً با شرایط اجتماعی و اقتصادی خود را مشخص نمی کند، بلکه مجموعه ای از این هاست (دیبا، ۱۳۸۷). فعالیت های فرهنگی ناشی از توجه به فرهنگ است و براساس شناخت حاصل از این توجه برای رسیدن به اهداف فرهنگی فعالیت هایی برنامه ریزی شده و به آنها عمل می شود، بدین ترتیب اهمیت توجه به فعالیت های فرهنگی کاملاً مشخص است. دادخواه "پدیده معماری بومی را به عنوان مقوله ای در زیبایی شناسی و عرفان، در خلوص اندیشه و احترام به طبیعت، موضوعی بسیار با اهمیت می داند. معماری بومی با آنکه در طول تاریخ، دستخوش پدیده های دگرگون کننده بوده است ولی توانسته هویت ویژه خود را حفظ کند و نمایانگر آداب و رسوم، روحیه و احساسات، اندیشه و عقیده، ذوق و سلیقه و هنر باشد. در واقع این در نفس معماری بومی است که هر گونه پیوند اساسی با فرهنگ را محترم بدارد: پیوند با محیط فرهنگی یا با سلسله ارزش های فرهنگی، با سلسله رفتارهای فرهنگی و قوانینی که در آن جاری است از یک سو و از سوی دیگر پیوند با محیط طبیعی، یا با مجموعه داده هایی سرزمین بنا به انسان عرضه می دارد: داده هایی که هم ابزار فکری اند و هم ابزار کاربردی، هم رنگ و اندازه و تناسب را در بر می گیرد و هم مصالح، اجزا و عناصر ساختمان با توجه به تفاسیر فوق لزوم توجه به فرهنگ جامعه کاملاً مشهود است، منظور از توجه به فرهنگ، مطالعه و بررسی فرهنگ جامعه و سعی در رفع نواقص موجود در آن و تصحیح نکات جزئی، اشتباهات ممکن در فرهنگ و بالاخره تعمیم و گسترش فرهنگی غنی و صحیح در جوانان است (دادخواه، ۱۳۸۴، ۹).

۳-۳- تصاویر ذهنی و فرهنگ

تصاویر ذهنی بوسیله معماری نیز قابل دیدن هستند. مردم بناهای معماری می سازند. بناهایی که فرهنگ آنها و زیبایی شناسی معماری را که در فرهنگ شکل گرفته تعریف می کند و هنر در این فرهنگ نهفته است. مفاهیم و معانی وسیع و متنوعی را می توان برای فرهنگ بیان کرد. از آنجایی که هر جامعه و تفکری بر پایه جهان بینی خویش، برای فرهنگ تعریفی ارائه می نماید، در جهت احتراز از اطاله کلام تنها به برخی نکات اساسی اشاره می شود. بررسی تعاریفی که برای فرهنگ ارائه می شود حکایت از ریشه تقریباً واحد آنها دارد. (نصر، ۱۳۵۹). به این ترتیب فرهنگ مورد نظر مجموعه باورها، دانش ها، معارف، آداب و رسوم و ارزش هایی است که جامعه ای بر مبنای اعتقادات خود آن را تکامل بخشیده و بر اساس آن مجموعه مشی می نماید. مکان های فرهنگی صحنه های تداعی خاطرات و اندیشه مردمان گذشته می باشند. فضاهای تراس گونه و ایوانی در قالب یک نمایشگر خاطرات عمل می کنند و در کنار ساختار فضایی همخوان و هماهنگ معنا پیدا میکنند. ساختارهای معنایی فضا و محیط ساخته شده برای ایجاد مجموعه هایی از کیفیات خاص و به وجود آمدن حس مکان نقش دارند و حس مکان به نگرش ها، جهان بینی ها، ویژگی های فردی و پیوند افراد با مکان مانند نام مکان، حکایات مربوط به مکان، تجربه های مکان و پیوندهای معنوی با مکان بستگی دارد. معنا می تواند از فعالیت و فرم ساخته شد های که در مکان وجود دارد، مشتق شود (Montgomery, 1998).



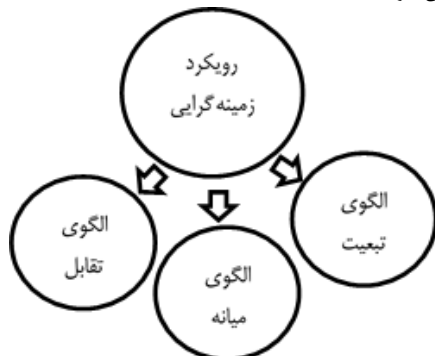
شکل ۱- تراس و ایوان رو به منظره در اقلیم مازندران (ماخذ: <https://www.iribnews.ir>).

۳-۴- معماری زمینه گرا

معماری زمینه گرا بر زمین مداری و پیوند محیط با فضا تاکید دارد و با درک پیام بستر خود شکل می گیرد و در واقع پیامی را که بستر معماری به او انتقال داده به عینیت رسانده و طراحی میکند. در نتیجه ساختمان جزء کوچک از طبیعت پیرامون خواهد بود. در این نوع معماری هر بنایی بر اساس زمینه های فرهنگی اجتماعی تاریخی و کالبدی اقلیمی و شرایط خاص آن سایت و ساختمان طراحی و اجرا میگردد. معماری زمینه گرا به ضرورت توجه به محیط پیرامون اثر معماری تاکید دارد و بر این باور است که توازن میان معماری و محیط میتواند هم برای خود اثر و هم برای زمینه عاملی موثر و تقویت کننده باشد (برولین، ۱۳۸۳). در یک جمع بندی می توان رویکردهای کلی زمینه گرایی را در ۳ قالب زیر بیان کرد:

۱. پیروی از زمینه موجود و تبعیت کامل از آن (الگوی تبعیت)
۲. تقابل کامل با زمینه، نادیده گرفتن و نفی زمینه موجود (الگوی تقابل)
۳. احترام به زمینه و عدم نفی آن در عین شاخص بودن و بیان سناریوی خود بنا (الگوی میانه)

معماری زمینه گرا به مقوله سبک های معماری و چگونگی ایجاد هماهنگی میان ساختمان های مجاور، مربوط به دوره و سبک های مختلف می پردازد. هدف معماری زمینه گرا آشنایی با روش هایی است که برای ایجاد ارتباط بصری سازگار و همگون تر میان ساختمان ها، میتوان از آن بهره جست (برولین، ۱۳۸۶).



نمودار ۱- رویکرد زمینه گرایی (ماخذ: نگارنده).

جدول ۱- انواع زمینه گرای (ماخذ: برولین، ۱۳۸۶)

انواع زمینه گرای	مفاهیم و کارکرد
زمینه گرای کالبدی	به معنی درهم بافتن نو و کهنه به نحوی است که بتواند یک کل زنده و مطلوب ایجاد کند (تولایی، ۱۳۸۰).
زمینه گرای تاریخی	به حفظ میزان و نظم اجزایی که در طول زمان در زمینه به وجود آمده است، متعهد میگردند (برولین، ۱۳۸۶).
زمینه گرای فرهنگی - اجتماعی	توجه به عناصر فرهنگی، محیطی، سنت ها و ریشه ها، آداب و رسوم و آئین های فرهنگی رایج- توجه به الگوها و ارزش های فرهنگی

۳-۵- زمینه گرای و فرهنگ

زمینه گرایان اجتماعی- فرهنگی معتقدند که فرهنگ مجموعه ی قواعدی را می آفریند که شکل ساخته شده بازتابی از آن است. مردم به کمک فرهنگ یعنی مجموعه ی ارزش ها، باورها، جهان بینی و نظام های نمادین مشترک به محیط خود معنی می دهند و فضای خالی را به مکان تبدیل می کنند (Rapoport, 1977). لذا با عنایت به شناخت انواع زمینه گرای و با توجه به موضوع مورد پژوهش آنچه به عنوان زمینه تحلیلی مورد نظر است زمینه گرای از نوع فرهنگی می باشد. طراحان در این رویکرد، زمینه را مشتمل بر داشته های فرهنگی و اجتماعی یک منطقه دانسته و متعهد به حفظ آن می گردند.

در زمینه گرای اجزای شکل شهر به تنهایی ارزیابی و مطالعه نمی شوند، بلکه در زمینه ی وسیع تر فرهنگی قرار می گیرند. یک اثر معماری با نظام بزرگ تر شهری مرتبط است و در سلسله مراتبی از مجموعه فرهنگ ها قرار دارد. بنابراین این زمینه گرای پیوند میان معماری و فرهنگ در زمینه ای معین است (تولایی، ۱۳۸۰: ۳۵). عواملی که می توانند وحدت بخش زمینه کالبدی باشند عبارتند از: خط افق آسمان، فاصله بین ساختمانها، تناسب پنجره ها، برجستگی ها و فرورفتگی های نما، درها و سایر عناصر، فرم و شکل کلی بنا، محل و نحوه حل مدخل ورودی بنا، جنس مصالح، پرداخت و بافت نما، الگوی سازه حاصل از حجم و عناصر تزئینی، مقیاس بنا، سبک معماری، محوطه سازی (Brolin, 1980: 148-15).

جدول ۲ - شاخصه های زمینه گرای و فرهنگ. ماخذ: برداشت نگارنده

شاخصه های زمینه گرای و فرهنگ
توجه به لایه های افقی و عمودی به صورت مجزا
استفاده از لایه های تاریخی در نقش هویتی زمینه
توجه به موضوعیت متن در کارکرد و فرم
کشیدگی اثر در زمینه و حرکت و توالی
ارزش نشانه های زمینه در نقش کارکردی- اجتماعی- فرهنگی
توجه به لایه های مختلف معنایی در همکنش کارکردی و فرهنگی- همکنش فرم ها در کنار هم- توجه به نشانه های درون متنی و برون متنی

۳-۶- نگرش های زمینه گرای فرهنگی بومی اقلیم مازندران

معماری بومی این مناطق که بیشتر کرانه های دریا ی خزر و دامنه های شمالی کوه های البرز را شامل می شود، که در نواحی بسیار مرطوب کرانه های نزدیک دریا برای حفاظت ساختمان از رطوبت بیش از حد زمین، خانه ها بر روی پایه های چوبی ساخته شده اند. در تمام ساختمان های این مناطق، بدون استثناء از کوران و تهویه طبیعی استفاده می شود. بطور کلی، پلان ها گسترده و باز و فرم کالبدی آنها بیشتر شکل های هندسی، طویل و باریک است. به منظور حداکثر استفاده از وزش باد در ایجاد تهویه طبیعی در داخل اتاق ها، جهت قرارگیری ساختمان ها با توجه به جهت وزش نسیم های دریا تعیین شده است. در نقاطی که بادهای شدید و طولانی می وزد، قسمت های رو به باد ساختمان ها کاملا بسته است.

در این رستا فرهنگ را از جهتی به فرهنگ مادی و فرهنگ معنوی تقسیم کرده اند (آشوری، ۱۳۸۱). فرهنگ مادی را همه ی وسایل و ابزارهای مادی و آنچه به دست بشر از ماده طبیعی ساخته شده و شیوه ها و فرایندهای ساخت و ساز آنها می دانند و فرهنگ معنوی را شامل ارزش ها، باورها، اندیشه ها، دانش و فن ها، دین و آداب و سنت ها، علوم و فلسفه، ادبیات، هنر و مهمی فرآیندهای ذهنی انسان مطرح می کنند (پوردیهی، ۱۳۹۰). شیوه های به کار گرفته شده منبعث از زمینه با با پیروی از الگوهای

فرهنگی(که هر دو وجه فرهنگ را در بر می گیرد) و بیشترین استفاده از معماری بومی به عنوان ارزش و کهن الگوی منطقه ای می باشد. یعنی رعایت همان اصولی که اساسی ترین پایه های معماری پایدار را شکل می دهد.

الف- ایوان: ایوان فضایی واسطه و نیمه باز در سلسله مراتب دسترسی از فضای باز به بسته می باشد. گونه ای که بیشتر در خانه های شهری دیده می شود، استقرار بالکن دور تا دور بنا می باشد. این بالکن ضمن آنکه دسترسی اتاق ها به یکدیگر را تأمین می نماید، مانع از رسیدن باران به بدنه می شود. ایوان اصلی بزرگتر از هر کدام از اتاق های خانه است و به عنوان فضای نشیمن استفاده می شود. این ایوان معمولاً در جبهه شرقی یا جنوبی ساختمان شکل گرفته و نسبت به سایر اتاق ها در ارتفاع بالاتری واقع می شود تا از چشم انداز بهتر و جریان هوای بیشتری برخوردار گردد(همان).

ب- فضای سرتاسری غلام گرد دور بنا: فضاهای با دو ردیف ستون جلوی تالار ها غلام گردش نامیده می شود. همچنین جهت محافظت دیوار یک "غلام گرد" که مانند ایوانی در سرتاسر محیط ساختمان گسترش می یابد. بام را تا جلوی غلام گرد ادامه می دهند. (گرچی مهلبانی، ۱۳۸۸:۱۳۸) بدین صورت با ایجاد غلام گرد و پوشش بالای آن، هم دیوارها محافظت شده اند و هم یک فضای مناسبی که در سایه قرار دارد و جریان هوا در اطراف آن می تواند به راحتی عبور کند، برای ساکنین به وجود می آید. (قبادیان، ۱۳۸۵:۴۲).

ج- بام های گالی پوش شیبدار: به دلیل ریزش مداوم باران، بام ها در این منطقه به صورت شیبدار هستند. فضای خالی مابین بام شیبدار و سقف در این ساختمان ها، محل مناسبی برای انبار نمودن و نگهداری مواد غذایی سالانه است و به گونه ای ساخته می شود که امکان جریان هوا و تهویه در آن وجود داشته باشد.



شکل ۳- نوع بام گالی پوش
(ماخذ: <https://www.iribnews.ir/>).



شکل ۲- فضای غلام گرد در اطراف فضای اصلی
(ماخذ: <https://www.iribnews.ir/>).

د- اختلاف سطح از سطح زمین و کرسی چینی: برای جلوگیری از نفوذ رطوبت به کف بنا، ساختمان از کف زمین ارتفاع گرفته تا جریان هوا مابین کف و سطح زمین برقرار شود. مواد و مصالح و کرسی چینی در منطقه معتدل خزری، تابعی از شرایط توپوگرافی و دسترسی به انواع مواد و مصالح و از سویی دیگر، دانش تجربی استادکاران محلی، نوع و مدت استفاده از بنا، توان اقتصادی سازنده آن است.

ه- کوتام یا نفار: نوعی ایوان و نوعی ساختمان تابستانی که در لهجه مازندرانی به آن نفار می گویند که به عنوان بهار خواب از آن استفاده می شده است. همچنین به بام سایه دار، ایوان مستقل چهار سو باز که روی چهار پایه بلند ساخته می شود نیز می گویند. این فضا جزو فضاهای باز محسوب می شود. اتاقی به ابعاد تقریبی ۳/۵ در ۳/۵ متر که بر روی دستک های چوبی و یا ارتفاع ۱/۵ تا ۲ متر از سطح زمین ساخته می شود، این فضا از چهار طرف باز بوده و توسط جان پناهی چوبی احاطه می شود و سقفی به شکل هرم دارد. از قسمت زیرین کوتام برای نگه داری دام ها و از قسمت بالایی آن برای خواب تابستانی(بهار خواب) اعضای خانواده استفاده می شود. از نظر اقلیمی این بنا دارای یک اهمیت ویژه است. با توجه به گرمای هوا و رطوبت زیاد در تابستان که سبب به وجود آمدن آب و هوای شرجی در منطقه می شود، احداث فضایی نیمه باز که از چهار طرف باز است و از زمین فاصله دارد می تواند با ایجاد نسیم ملایم و ایجاد کوران از جهات مختلف، برای رسیدن به آسایش اقلیمی موثر باشد(گرچی مهلبانی، ۱۳۸۸:۱۳۸) و بیشتر در زمین های شالیزاری روستاهای مازندران دیده می شوند. نگاه فرهنگی خاصی به ساخت این بناها بوده چرا که، هنگام ساخت این سازه، سقف و تیرهای ساق بنا را رنگ آمیزی و روی آن تکه تکه مستطیل رسم کرده، با رنگ روغنی آراسته می ساختند و در میان آن اشعار محتشم کاشانی را به خط خوش می نوشتند. همچنین در اطراف مستطیل ها، گل و بوته و تصاویری از دیو و پری و صحنه هایی از لشکریان امام حسین (ع) و در مقابل صف آرای لشکریان این زیاد را به تصویر می کشیدند، همانند پرده هایی که پرده خوانان در معابر عمومی به دیوار می زدند و مردم را در پای آن جمع می کردند و شرح و توضیح می دادند.



شکل ۴- ساختار یک نفار (ماخذ: <https://www.iribnews.ir>).

شکل خانه، حاصل مجموعه ای از عوامل اجتماعی - فرهنگی در وسیع ترین شکل آن می باشد. در نتیجه، من نیروهای اجتماعی و فرهنگی را نیروهای اولیه یا اصلی، و دیگر نیروها را نیروهای ثانویه یا تغییردهنده خواهیم نامید. آنچه که سرانجام، شکل خانه را تعیین می کند و به فضا و روابط آن شکل می دهد، بینشی است که یک قوم از زندگی آرمانی دارد (راپاپورت، ۱۳۹۰، ۱۰۲).

۴- شاخص های موثر زمینه گرایی در معماری بومی مازندران

توجه به زمینه را می توان نوع نگاه ساخت و همراستا با بستر جستجو کرد. برای بناهایی که در بستر طبیعت اند، زمینه شهری معنی خود را از دست می دهد و زمینه طبیعی مطرح می شود. زمینه طبیعی همان روح، حال و هوا و خاصیت محیطی اعم از بافت، رنگ، جنس، توپوگرافی و از این دست است؛ و البته این مقولات با اصول فرهنگی و بومی هم همپوشانی دارند. به همین دلیل زمینه گرایی فرهنگی توجه به ارزش ها و الگوهای معماری این خطه دارد و با آن همصدا می شود. هر مکانی ویژگی خاص خود را دارد و پاسخ هایی منحصر به فرد را هم می طلبد. مکان ها از نظر اقلیم، چشم انداز، زندگی گیاهی، پستی و بلندی، زمین شناسی و مهمتر از همه، از نظر چیزی که شاید بتوان آن را قواعد بازی برای ساختمان سازی نامید، تفاوت دارند. مردم نسبت به یک مکان و محیط ای پیرامون خود، بر اساس معانی که در ذهنشان تداعی می کند، واکنش نشان می دهند (راپاپورت، ۱۳۹۱) در این راستا، ارزش های زمینه می توانند بیان شوند؛ معانی ای که چون از بطن زمینه برمی آیند، بر هویت بخشی به زمینه اثر می گذارند.



شکل ۶- ایه های چوبی با هنر چوتاشی در معماری مازندران پیرو معماری زمینه (منبع: <https://khateshomal.ir>)



شکل ۵- نقش و فرم های چوتاشی شده در آرایه های معماری آیینی و مسکونی مازندران به دسته های اصلی و فرعی گیاهی، انسانی، حیوانی، کتیبه ای و هندسی (منبع: <https://khateshomal.ir>)

در معماری بومی علاوه بر طبیعت و بوم، مولفه دیگری به نام فرهنگ نیز در طول تاریخ تأثیرات بسیاری بر ساختار معماری گذاشته است. در برخورد با مجموعه ها و واحدهای معماری، تأثیرات محیط طبیعی و فرهنگی به بارزترین شکل خود و توأمآ، بی آنکه بتوانیم یکی را از دیگری تمیز دهیم، متجلی می شوند. به نظر می رسد که مجموعه های فرهنگی، مصداق های خوبی برای رویکرد پایداری در زمان و مکان خودشان می باشند.

۵- نتیجه‌گیری

پیرو آنچه در پژوهش مشخص شد؛ نگاه معماری گذشته توجه به پارادایم‌های مثبت و ارزشی بوده که در معماری معاصر به عنوان یک ضرورت احساس می‌شود. معماری زمینه‌گرا با پیروی از الهامات معماری بومی هر منطقه ای و نگرش در ساختار زیستی می‌تواند تعاملی سازنده از نظر فرهنگی و اجتماعی برقرار کند. در معماری زمینه‌گرا بافت و بستر تاریخی مهم و طراحی معماری در پیوند و ارتباط با زمینه برای ایجاد هماهنگی میان ساختمان‌ها، سبک‌های مختلف و به طور کلی ضرورت توجه به محیط کالبدی با اهمیت است. اگر فرم اصلی معماری با بستر و محیط کالبدی سازگار باشد معماری مردمی و در جستجوی تامین رفاه ساکنان خود می‌باشد و در ریشه و اساس پاسخی است به ضرورت تامین رفاه و آسایش. لذا معماری زمینه‌گرا به معماری بومی گفته شده است که بهترین سازگاری را با شرایط فرهنگی داشته باشد و از طرفی با مشخصه‌های معماری منطقه مانند: شرایط آب و هوایی، ایجاد گردش هوا و تهویه مطبوع، جریان هوای مطبوع توسط فضاهای باز متعدد در بخش‌های اصلی واحد سکونت، استفاده از سایبان‌های مناسب از طریق پیش‌آمدگی بام و حیاط‌خلوت‌های سایه‌دار برخوردار باشد. برخی از ویژگی‌های معماری زمینه‌گرا از بعد فرهنگی در طراحی به این شرح است:

- در نظر گرفتن ویژگی‌های فرهنگی (مانند نگاه ساخت و الگو و تفکر زیستی در برخورد با محیط اطراف)
- در نظر گرفتن ویژگی‌های اجتماعی، تاریخی و اقتصادی افرادی که از ساختمان‌ها استفاده خواهند کرد.
- در نظر گرفتن ویژگی‌های شهر، کوچه‌ها، میادین و مصالح بومی، طراحی و ساخت.
- سازگار با شرایط آب و هوایی، رطوبت، سرما، گرما، جنگل و بیابان.
- در نظر گرفتن سبک زندگی روزمره کاربران ساختمان‌ها و نیازهای آن‌ها.

منابع

۱. برولین، برنت سی. (۱۳۸۳)، معماری زمینه‌گرا (سازگاری ساختمان‌های جدید با قدیم)، ترجمه راضیه رضازاده. _ اصفهان: نشر خاک.
۲. پوردیهمی، شهرام، (۱۳۹۰)، فرهنگ و مسکن، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۴، صص ۱۸-۳.
۳. پیشدادیان، آزاده (۱۳۹۳)، زمینه‌گرایی با رویکرد منطقه‌گرایی، دانشگاه آزاد قزوین، چاپ گوهر دانش.
۴. تبریزی، ندا، (۱۳۹۳)، زمینه‌گرایی کالبدی تاریخی، دانشگاه آزاد قزوین، چاپ گوهر دانش.
۵. تولایی، نوین (۱۳۸۰)، زمینه‌گرایی در شهرسازی، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۱۰، صص ۶۶-۵۷.
۶. خانبانی‌ها، فرناز، زمینه‌گرایی در محیط طبیعی، دانشگاه آزاد قزوین، چاپ گوهر دانش.
۷. دادخواه، مهیار، (۱۳۸۴)، گذری در گستره‌ی معماری بومی نگاهی به تصویرها و پدیده‌ها، معماری بومی، موسسه علمی و فرهنگی فضا، تهران.
۸. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت‌نامه تهران، دانشگاه تهران. موسسه لغت‌نامه دهخدا. تهران.
۹. دیبا، داراب، (۱۳۸۷)، بررسی معماری ایران در روند فرهنگ و تاریخ، مجله علمی معماری و شهرسازی، شماره ۱۶، تهران.
۱۰. راپوپورت، آروس (۱۳۶۸). منشأ فرهنگی مجتمع‌های زیستی، ترجمه: راضیه رضازاده، ضمیمه به کتاب تاریخ شکل شهر (مورس)، جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت ایران، چاپ اول.
۱۱. ستالوو همکاران (۱۳۹۰)، نگرشی نو بر تنوع فرهنگی در فضاهای عمومی، مترجمین: مرادی مسیحی، وراز و همکاران، انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران، تهران.
۱۲. قبادیان، وحید، (۱۳۸۵). بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. گرجی مهلبانی، یوسف (۱۳۸۹)، دانشور، کیمیا، «تاثیر اقلیم بر شکل‌گیری عناصر معماری سنتی گیلان»، مجله آرمانشهر، شماره ۴، صص ۱۳۵-۱۴۵.
۱۴. نائینی، شکوفه السادات (۱۳۹۳)، بررسی زمینه‌گرایی از دیدگاه راجر ترانسیک، دانشگاه آزاد قزوین، چاپ گوهر دانش.
۱۵. نصر، سید حسین (۱۳۵۹)، ترجمه آرام، احمد، علم و تمدن در اسلام، خوارزمی، تهران.
۱۶. نصری، سید رضا (۱۳۹۳)، زمینه‌گرایی در مقیاس شهری (با تاکید بر هویت و تصاویر جمعی مشترک از شهر)، دانشگاه آزاد قزوین، چاپ گوهر دانش.

17. Rapoport, A. (1977) Human Aspects of Urban form. New York: Pergamon press.

18. <https://www.tribnews.ir>.

19. <https://khateshomal.ir>